

این فایل ترجمه توسط وب سایت زبان امید تهیه شده است.  
هر گونه کپی و یا استفاده از آن توسط وب سایت های  
دیگر پیگرد قانونی خواهد داشت.

[www.languagecentre.ir](http://www.languagecentre.ir)

### دستاوردها

مادربزرگ یک روز بعد از تولد آلیسون با او صحبت می کند. آنها با هم قهوه خوردند.

مادربزرگ: خب حالا که 21 سالت شده چه حسی داری؟

آلیسون: حس عجیبی دارم. احساس می کنم به اندازه ی کافی بزرگ نشده ام.

-ولی تو حالا هم به بیشتر چیزهایی که میخواستی رسیدی.

-بله حرف شما درست است اما هنوز به دنبال یک شغل هستم.

-خب حالا به نظرت وقتی 30 سالت شد می خواهی چیکار کنی؟

-مهم ترین کاری که می خواهیم انجام بدهم اینه که دنیا را بیشتر بشناسم.

-و آیا کاری از این مهم تر هم داری؟

-خب امیدوارم بتوانم بعدا تجارت خودم را راه اندازی کنم.

### معما

یکی از معروف ترین داستان های راز آلود اثر " ادگار آلن پو " می باشد که در مورد سرقت یک نامه است. نامه ی ربوده شده نامه ی مهمی بود و فردی که این نامه را دزدیده است به خاطر داشتن این نامه از وجه سیاسی خاصی بهره مند گردیده است.

پلیس فردی را که نامه را ربوده است شناسایی کرده و می داند که نامه هنوز در مالکیت اوست. اما هیچ کس از محل نامه باخبر نبود تا اینکه کارآگاهان، خودرو این فرد را تعقیب کردند. او نامه را با خود حمل نمی کرد، زیرا پلیس بارها او را به عنوان سارق دستگیر کرده و مورد بازرسی قرار داده بود ولی باز هم نتیجه ایی در برنداشت. این برای پلیس واضح بود که نامه را در خانه اش پنهان کرده، اما نمی توانستند این قضیه را اثبات کنند.

گوشه به گوشه خانه را جستجو کردند، تمام اثاث منزل را زیر و رو کردند و بالاخره به این نتیجه رسیدند که احتمالاً نامه را در خانه پنهان نکرده است. تلاش هایشان بی نتیجه ماند و همگی ناامید شدند. آنها جایزه بزرگی را برای برگرداندن نامه گمشده پیشنهاد دادند.

رییس پلیس این مورد را به دوست خود گزارش داد، کسی که کاملاً می دانست که فرد مورد نظر مرد بسیار زیرکی است. او گفت که سارق مغز خود را به کار می گیرد. او گفت: که سارق با خود فکر می کند که احتمالاً پلیس جایی را که دور از دید باشد، برای پیدا کردن نامه جستجو می کند. او همچنین معتقد است که سارق جایی را برای پنهان کردن نامه انتخاب می کند که توجه ایی به آنجا نمی شود.

این حرف مرد دقیقاً همان فکری که بود که به ذهن مرد تبهکار رسیده بود. او نامه مسروقه را همراه با چند نامه دیگر در صندوق نامه ها، که از درخانه آویزان بود گذاشته بود، دقیقاً در دید هرکسی که وارد خانه می شد قرار داشت.

و بالاخره دوست افسر پلیس بعد از دستگیری سارق و حل معما، به قولی جایزه ایی که برای برگرداندن نامه داده بود، عمل کرد.